

## بررسی راهکارهای جامعه پذیری افراد با تاکید بر نهادینه شدن حقوق شهروندی

اکبر رمزی (دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران و پژوهشگر جهاددانشگاهی ارومیه)

### چکیده:

توجه به نحوه جامعه پذیری از مفاهیم و فرایندهایی است که به مانند بسیاری از مسائل جامعه شناسی، مختص قرن نوزده و بیست است. هرچند این پدیده، موضوعی است که از ابتدای زندگی بشر، با وی بوده است و در واقع به نحوه آشنا شدن افراد با هنجارهای جامعه گفته می شود، اما در حال حاضر، به عنوان پدیده ای مهم و حیاتی در هدایت جامعه به سوی جامعه ای مطلوب، به آن نگرسته می شود و در واقع، دانشمندان علوم انسانی، وظیفه خود می دانند که با ایجاد تاثیرات مثبت در فرایند جامعه پذیری افراد و شهروندان، آن ها را به سمت ایجاد و توسعه جامعه ای مطلوب و به دور از مشکلات و تنش ها سوق دهند. در این مقاله، به دنبال شناسایی روند جامعه پذیری افراد در جامعه و عوامل تاثیر گذار بر این روند با تاکید بر روش های نهادینه شدن حقوق شهروندی هستیم. شناسایی روش های جامعه پذیری و ایجاد اصلاحات مورد نیاز در روند جامعه پذیری سنتی جوامع، می تواند به تربیت شهروندانی آشنا به حقوق و وظایف شهروندی، کمک شایانی کند.

### بیان مساله:

امروزه بیش از نیمی از مردم جهان در شهرها زندگی می کنند و شهرها اهمیتی فوق العاده در جهان معاصر دارند. با بالا رفتن جمعیت شهری و ظهور کلان شهرها و تجمع ثروت ها و قدرت های بزرگ، به واحدهایی با توانایی های بالای سیاسی بدل می شوند.<sup>۱</sup> در این میان تقویت حقوق شهروندی به طور عام و فرهنگ شهرنشینی به طور خاص می تواند راهی مناسب برای پیوند دادن حوزه های سیاسی و اجتماعی به یکدیگر باشد و امکان رسیدن به یک جامعه مطلوب تر را فراهم سازد.<sup>۲</sup> جامعه ای که در آن فرهنگ شهرنشینی نهادینه شده و وجود شهروندانی که پایبند به این فرهنگ باشند، هزینه های حکومت ها را در اداره شهرها و بالتبع کل کشور، کاهش می دهند و از سوی دیگر، وجود این فرهنگ باعث می شود سطح انگیزه و سلامت افراد جامعه (به دلیل دوری از استرس ها و ترس ها)، به میزان قابل توجهی افزایش یابد. دو واژه شهروندی و تربیت شهروندی از جمله مفاهیم مشاجره آمیزی هستند و نظریات مختلفی در مورد آنها بیان شده است. تربیت شهروندی یک مفهوم چند چهره و چند بعدی می باشد که مفاهیم اخلاقی، زیست محیطی، فرهنگی، اقتصادی را در بر می گیرد که در آن از مباحثی چون مردم سالاری، عدالت، برابری سخن به بیان می آید «داویس» بیش از ۳۰۰ تالیف در زمینه تربیت شهروندی را جمع آوری کرده است که این نشان می دهد مفهوم تربیت شهروندی تا چه اندازه گسترده می باشد. همچنین تربیت شهروندی در اساس با برنامه درسی حائز اهمیت است. در این مقاله، به دنبال تبیین رابطه فرهنگ شهرنشینی و حقوق شهروندی هستیم با این پیش فرض که تقویت و نهادینه شدن فرهنگ شهرنشینی می تواند به عنوان گامی اساسی در راه طلب و توسعه حقوق شهروندی محسوب شود.

<sup>۱</sup> فغان نژاد و نوری، ۱۳۹۱: ۷۵

<sup>۲</sup> مستی و فلاحیان، ۱۳۸۹: ۶۳

## حقوق شهروندی:

حقوق از نظر لغوی جمع حق است و آن اختیارات، توانایی‌ها و قابلیت‌هایی است که به موجب قانون، شرع، عرف و قراردادی برای انسانها لحاظ شده است و در اصطلاح، اصول، قواعد و مقرراتی است که روابط انسانها را با هم در حقوق خصوصی و روابط فرمانروایان و فرمانبران را در حقوق عمومی و اساسی تنظیم می‌کند.<sup>۳</sup> حقوق مجموعه قواعد و مقرراتی است که نظم اجتماعی را تأمین می‌کند.<sup>۴</sup> لفظ حقوق در معانی مختلف بکار می‌رود:

۱- حقوق جمع حق و حق در اصطلاح عبارتست از «امتیازی که شخص در جامعه معین دارد». حقوق در این معنی به حقوق فردی تعبیر می‌شود.

۲- حقوق اصطلاحاً عبارتست از: مجموعه قواعدی که تنظیم کننده و حاکم بر روابط اشخاص در جامعه معین می‌باشد. حقوق در این مفهوم به حقوق ذاتی به لحاظ آنکه قطع نظر از افراد جامعه مطرح می‌گردد تعبیر می‌شود. حقوق فردی ملازم با حقوق ذاتی می‌باشد. در نتیجه قواعد تنظیم کننده روابط افراد در جامعه که اختصاراً قواعد حقوقی یا قانون نامیده می‌شود برای افراد اختیار و توانائی تحصیل اراده خود به دیگران و الزام دیگران به رعایت آثار این اراده (اعمال حق) ایجاد می‌گردد.<sup>۵</sup>

در عصر حاضر رعایت حریم حقوق مردم در عرصه های مختلف بعنوان یک پدیده اجتماعی، یکی از ضروریات زندگی محسوب می شود. شهروندی نوعی حق است که از یک طرف توسط شهروندان و دولت به رسمیت شناخته شده و از سوی دیگر نوعی وظیفه است که همه آحاد جامعه نسبت به هم نوعان خود دارند.<sup>۶</sup> شهروندی را می توان مجموعه حقوقی دانست که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می شوند و نیز اطلاقی عام است بر مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می کند. «حقوق شهروندی» مجموعه حقوقی مانند: حقوق اساسی، حق استخدام شدن، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داوری و مصدق واقع شدن را شامل می شود.<sup>۷</sup> در واقع، تمامی حقوقی که فرد به خاطر عضو جامعه و شهروند یک کشور بودن به دست می آورد از حقوق شهروندی می گویند. حال باید توجه داشت که برای رعایت درست و صحیح این حقوق در جامعه، هم باید حاکمان این حقوق را به رسمیت بشناسند و هم در بین مردم، احساس مسئولیتی برای رعایت حقوق متقابل ایجاد شود. مبحث اول، یعنی توجه حاکمان و به رسمیت شناخته شدن این حقوق، مستلزم مباحث سیاسی پیرامون حکومت است که در این مقال نمی گنجد، اما مبحث دوم، قرابت مفهومی و مصداقی زیادی با مبحث ما در این مقاله دارد.

برای سنجش میزان نهادینه شدن مبحث اول، مصداق ها و ملاک های زیر در نظر گرفته می شود:

(۱) این عقیده که آزادی فردی در دقیق ترین مفهوم خود به مشارکت در حکومت و جامعه متکی است.

(۲) حکومت خود مختار نیاز به نوآوری و حفظ فعالانه توسط نهادی دمکراتیک جامعه ای دارد که در آن همه شهروندان در برابر قانون از موقعیت یکسانی برخوردارند.

<sup>۳</sup> کاتوزیان، ۱۳۸۵: ج ۳، ۴۴۲

<sup>۴</sup> نوریها، ۱۳۹۱: ۱۵

<sup>۵</sup> هزار جریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۴۳

<sup>۶</sup> امینی، ۱۳۷۷: ۳۴۹

<sup>۷</sup> جعفری، ۱۳۹۳: ۲۳

۳) مشارکت واقعی شهروندان در زندگی عمومی نیاز به آموزش شهروندی دارد که شامل رشد عادات مهارت‌ها و دانش مورد نیاز برای مشارکت فعال در جامعه می‌باشد.

۴) شهروندان فعال باید نگرش مدنی را در خود پرورش دهند که عبارتند از احساس تعهد نسبت به نفع عموم، پذیرش آزادانه وظایف و تعهدات و وطن پرستی که در بهترین مفهوم در وفاداری نسبت به جامعه و ارزشهای مشترک نمود می‌یابد

۵) شناخت ابعاد قلمرو عمومی جامعه به عنوان مکانی برای بالاترین موفقیت‌های بدست آمده در جامعه که در آن شهروندان دارای غرور مشترک می‌باشند در نظر گرفته می‌شود.<sup>۸</sup>

### اهداف حقوق شهروندی:

۱. ایجاد عدالت در برخورداری شهروندان از امکانات موجود و همچنین برخورد عادلانه و به دور از تبعیض با متخلفان
۲. تقویت حس تعلق اجتماعی از طریق برعهده گرفتن نقش‌های مختلف در جامعه و همچنین بالا رفتن احساس همدلی و همدردی با دیگر شهروندان
۳. بالا رفتن حس اعتماد به حاکمیت و ایجاد زمینه‌های همکاری شهروندان و حاکمیت برای بنا کردن جامعه‌ای مطلوب‌تر
۴. سازمان دهی و ساماندهی بهتر شهروندان و بالا رفتن کارایی سازمان‌های دولتی به علت اینکه افراد در یک پروسه عادلانه به مقامات دولتی رسیده‌اند و بنابراین هم افراد با کارایی بالاتر به نقش‌های مدیریتی دست یافته‌اند و هم افراد دیگر به علت داشتن احساس تعلق و عدالت بیشتر.<sup>۹</sup>
۵. توسعه و تعمیم دانش، نگرشها و مهارت‌های مثبت و سازنده شهروندان
۶. مشارکت جوی و افزایش میزان اثرگذاری شهروندان در بهبود امور شهر
۷. تقویت بینش زندگی جمعی و احترام به نیازهای جمعی در مقابل فردگرایی
۸. افزایش تعاملات هدفمند اجتماعی به منظور تثبیت حاکمیت<sup>۱۰</sup>

### اهداف کلی ترتیب شهروندی:

- تقویت هویت و یکپارچگی ملی
- پرورش شهروند دموکرات و درک بین المللی
- احترام به عقاید دیگران و بهبود موقعیت بین المللی هند
- آشنایی با وظایف اساسی شهروندی و چالش‌های سیاسی
- قدردانی از افرادی که جان خود را در کار آزادی کشور فدا کرده‌اند
- تقویت روحیه مسئولیت اجتماعی و احترام به عقاید دیگران

<sup>۸</sup> Blunkett, ۲۰۰۳, pp ۵۶-۵۸

<sup>۹</sup> London & Apple, ۲۰۰۳: pp۱۰۰-۱۰۱

<sup>۱۰</sup> افروز، الف، ۱۳۷۸: ۵۴

- تقویت دموکراسی از طریق آموزش درباره احزاب، رأی دادن، آمادگی برای تحمل نظرات مخالف

## فرهنگ شهرنشینی

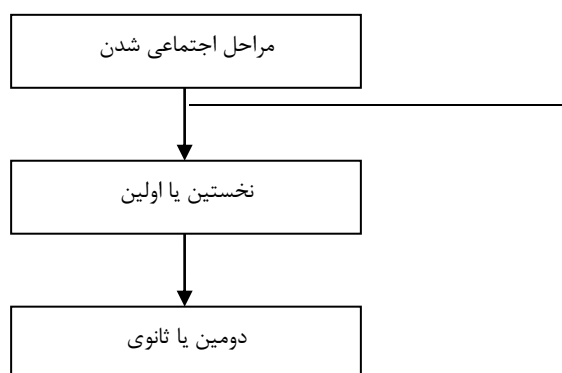
منظور از فرهنگ شهرنشینی مجموعه ای از ارزش ها، هنجارها، نهادها، فضاها، امکانات، مقررات و آدابی است که به زندگی در جامعه شهری نظم و تعادل می بخشد. از این منظر فرهنگ شهرنشینی امروزه بخش مهمی از فرهنگ عمومی هر جامعه را تشکیل می دهد که کیفیت آن نقشی اساسی در فرایند توسعه پایدار، کیفیت زندگی، سلامت و شادابی عامه مردم دارد. از سوی دیگر تبدیل ساکنان شهر به شهروندان تمام عیار مستلزم ایجاد و گسترش فرهنگ شهرنشینی است. در چند دهه اخیر همراه با تشدید روند جهانی شدن، گسترش ارتباطات و پیدایش جامعه شبکه ای، شیوه زندگی شهری، بسیار پیچیده و متنوع تر شده است. از یک سو، رشد سریع شهرنشینی در جهان، بویژه در کشورهای جهان سوم، فرهنگ های مختلف جهان را با هم مرتبط کرده است و از سوی دیگر این پدیده، به در هم ریخته شدن مرزهای فرهنگی میان جوامع شهری و روستایی انجامیده است.<sup>۱۱</sup>

## تعریف اجتماعی شدن:

منظور از اجتماعی شدن یا جامعه پذیری<sup>۱۲</sup> آن است که یک انسان از بدو تولدش چگونه با جامعه و فرهنگ انطباق می یابد و به طوریکه آقای فیند از آقای دانگ نقل می کند مانند یک موجود حیوانی (اسب یا سگ) اهلی می شود بیشتر ما داستان تارزان را شنیده ام که در جنگل های افریقا بدنیا آمده بود و با حیوانات دقیق و به گونه ای همزبان شده بود اما با انسانها هیچ رابطه ای نداشت زبان آنها را نمی دانست. ظاهراً باید پدر و مادرش اروپایش او را از بچگی به گونه ای از دست داده باشد. مشابه این مثال را ساموئل کونینگ از کودکان وحشی نقل می کند که در هندوستان پیدا شده اند و مانند حیوانات رفتار می کردند بنابراین با این مثالها مشخص می شود که انسان برای انسان شدنش به آموختن اصول تربیت شهروندی باید شرایطی به وجود بیاید که با حیوانات متفاوت باشد. بر فرض مثال اگر به تولد اسب توجه کنیم می بینیم که این حیوان در مدت کوتاه بعد از تولد خود بر روی پا می ایستد و خود مسیر خود را طی می کند اما شرایط انسان در نظام آفرینش متفاوت از سایر حیوانات می باشد به طوریکه پر تمن عقیده دارد که انسانها از نظر فیزیولوژیکی تولد نارس دارند اگر چه در این تشبیه به نظر می رسد که زمان عمر و مقیاس آن به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است اما با وصف این واژه تولد نارس اهمیت خود را از دست نمی دهد زیرا حتی نمی توان بچه ۱۵ ماهه یک انسان را به حال خود گذاشت.

روش و مراحل اجتماعی شدن

در گذشته سیستم های تاثیرگذار در تربیت فرزندان را به دو دسته خانواده و جامعه تقسیم می کردند و براساس آن مراحل اجتماعی شدن بصورت زیر تقسیم بندی می شد.



<sup>۱۱</sup> Beyer, ۲۰۰۰: ۹۰

<sup>۱۲</sup> Socialization

اما امروزه چنین دیدگاهی وجود دارد که در درون جامعه انسانها به یک نسبت تحت تاثیر نیستند و هر دسته از آنها می تواند تحت تاثیر عوامل متفاوت قرار بگیرد لذا مراحل متفاوتی از اجتماعی شدن را طی می کند. مثل خانواده و مدرسه، محیط های کاری آموزشی و رسانه ها و غیره و... که هر یک به صورت متفاوت بر روی انسانها و تطبیق آنها، با جامعه تاثیر می گذارد.

### اجتماعی شدن در نظام سنتها

اگر ما به نظام سنتی خود فکر کنیم متوجه این نقطه می شویم که در این نظام سنتی برنامه نسبتاً کافی برای اجتماعی شدن نسل جوان وجود داشت. در روستا کودکان نقش ها و وظایف خاص خود را داشتند که از بچگی با انواع مسائل آشنا می شدند. ابتدا با دانه دادن و جا کردن مرغها، بعد گوسفند به چرا بردن و بعد در کار زراعت و آبیاری پشت تراکتور نشستن و غیره ...<sup>۱۳</sup>

کودک همراه با والدین در محیط خود با یک نوع از مسائل مشترک رشد می کرد. کارهایی را انجام می داد که برای او لذت بخش و در واقع، یک نوع بازی بود و در عین حال نتیجه مطلوب را نیز در بر داشت. لذا کودک از همان اوان بچگی، لذت کار را می چشید. محیط مشترک، مسائل مشترک و داشتن نقش موثر او را با خانواده پیوند می داد و از طرف دیگر در یک محیط اجتماعی سازمان یافته و بسیار کنترل شده رشد می کرد. این سازمان دهی و کنترل اجتماعی قوی درونی از آنجا سرچشمه می گرفت که افراد در محیط و فاصله طبقاتی مشابه زندگی می کردند و با هم روابط اجتماعی بسیار قوی داشتند برای همه ابعاد زندگی هنجارها تعریف شده است و عدول از آن به علت روابط اجتماعی شفاف و جریان ارتباط اجتماعی قوی به سرعت برای همه مشهود می شد. در نتیجه از یک طرف برنامه مشخص برای نقش بچه و نوجوان در نظام خانواده وجود داشت و از طرفی دیگر شرایط اجتماعی محیط محدود و کنترل شده سیستم مشابه هنجارهای تعریف شده و کنترل درونی هنجارها موجب می شدند که کودک مراحل اجتماعی شدن خود را به طور کارکردی و سازمان یافته در یک نظام اجتماعی در پیش گیرد. و از هر نوع انحراف مصون یابد.

### اجتماعی شدن در نظام اجتماعی مدرن

از یک طرف با پیشرفت شهرنشینی افراد از روستاها به شهرها رو می آورند نتیجه این وضع شرایطی کم و پیش آنومیک است که در آن کنترل اجتماعی بسیار ضعیف می شود و افراد عموماً آزادی عمل بیشتر در ناهنجاری دارند. جوانانی که در این نظام اجتماعی در هم رشد می کنند در واقع یک نظام ناهنجار را می آموزد که در آن برای رفتار آنها نه به اندازه کافی هنجارهای مشخص و تعریف شده وجود دارد و نه آن جائیکه صحبت از هنجار است، این هنجارها، آن چنان که باید و شاید کنترل می شوند. لذا کنترل درونی گسترده می شود و کنترل بیرونی اولاً فقط برای برخی از هنجارهای رسمی صورت می گیرد و ثانیاً کارکرد آن نیز

<sup>۱۳</sup> فنایی، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۱

ضعیف می باشد. از طرف دیگر با گسترش سیستم بهداشت و در پی آن رشد سریع جمعیت نسبت جوانان در هرم جمعیتی یا افزایش یافته و این روند تشدید شده است.

اما در مقابل میزان برنامه های سنتی برای اجتماعی شدن و جاسازی و ادغام جوانان در یک نظام اجتماعی منسجم از یکسو دیگر کفاف آنها را نمی دهد و از سوی دیگر کارکرد این برنامه سنتی هم تضعیف شده است و هم توان و جاذبه کافی برای جواب گویی به مسائل و شرایط آنها را ندارند.

فرآیند تطبیق انسان با جامعه در نظام آفرینش به طور طبیعی صورت می گیرد که با پیشرفت علم و کسب این شناخت که تربیت تاثیر مهمی بر روی رشد و رفتار آینده انسانها دارد کوشش در جهت دستکاری بچه ها آغاز گردید عوامل موثر بر رشد شخصیت در درجه اول به این بستگی دارد که مربیان چه هدفی را دنبال می کنند و می خواهند کودک چه توانایی را کسب کند بچه ای که می خواهد قهرمان شطرنج شود با بچه ای که والدینش مایلند او دزد شود هر یک برای شکل گیری شخصیت شان عوامل متفاوتی را لازم دارند. برخی بر این باور هستند که ارزشها تغییر نمی کند برخی تصور می کنند که منظور از ارزشهای اصلی و مهم است و سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که ارزشها اصلی و کلیدی به چه مواردی اطلاق می شود گروهی به مذهب اشاره دارند<sup>۱۴</sup>.

بسیار خوب اما چقدر از فرزندان افرادی را می شناسیم که پدرشان در حوزه های علمیه بوده اند فرزندانشان با تغییر محیط رفتاری غیر از آنچه که مورد هدف والدین بود در پیش گرفتند ارزشها و هنجارهای هر مکان و زمان با هم تفاوت دارند این تفاوت در جوامع در حال توسعه سریعاً تغییر می کند و بسیار بیشتر است همان طور که والدین ما در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی نمی توانستند تصور کنند که در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی با هواپیما از تهران به مکه می روند اساس تحقیقات آینده نگری خود را پیش بینی کرده است<sup>۱۵</sup>.

## خانواده

در خانواده والدین کمتر در این باره آموزش دیده اند که چگونه باید تربیت نسل جوان را به عهده بگیرند و از همه مهم تر به علت مسائل اقتصادی و چند شغله بودن والدین و گاه مادران، آنها در منزل کمتر حضور و بر کار و رفتار بچه ها نظارت دارند. عدم حضور والدین باعث می شود که روابط اجتماعی والدین با بچه ها کاهش یابد. اما همین روابط اجتماعی والدین با بچه ها است که موجب تقلید رفتار آنها از جانب فرزندان و پیروی و رعایت هنجارها و ارزشها اولیا در مقابل مانع انحراف می گردد. اما پدرها عموماً با این غم جانسوز دست به گریبانند که چگونه بتواند با این همه تورم و گرانی نیازهای فرزندان را تهیه کنند. مادر نیز که مسائل را بیشتر از نزدیک می بیند نه می داند و نه می تواند کاری بکند و با تغییر سریع ارزشها و تضاد ارزش بینی نسل ها بچه ها و جوانان دیگر پیش نهاد پدر بزرگ ها و حتی اولیای خود را نیز نمی پذیرند. و متناسب با ارزشهای جدید تزریق شده بخود نمی بیند.

کودک نیاز به کمک مادر (تغذیه سرپرست، نگهداری) دارد و مادر نیاز به رسیدگی به او، مادر به بچه شیر می دهد از مکیدن سینه اش لذت می برد و لذتش را بیان می کند و دست نوازش به سر و صورت نوزاد میکشد و او را به سینه می فشرد و به تدریج و از

<sup>۱۴</sup> نقیب زاده، ۱۳۷۶: ۸۸-۸۷

<sup>۱۵</sup> Horn, ۲۰۰۲: ۱۶۵-۱۶۶

یک سنی به بعد غذاهای مختلف به او می دهد یا او صحبت و شوخی می کند اما همزمان نیز تاثیرگذاری شروع می شود: نحوه غذا خوردن، نحوه باز کردن و نحوه صحبت کردن...<sup>۱۶</sup>

نقطه قابل توجه در اینجا که باید ذکر شود این است که در تمام مراحل فوق، بخشی از فرآیند تطبیق بدون وقوف و آگاهی خاص به گونه ای اتوماتیک و طبیعی انجام می گیرد و بخش دیگر کم و بیش آگاهانه....

با انواع تشویقها و تنبیه ها بچه به مسیری خاص هدایت می گردد: تصور کنیم وقتی یک نفر میهمان به خانه ما می آید و ما با مهمان در گوشه ای با هم نشستیم ایم کودک ما وارد می شود، جلو می آید و با والدینش صحبت می کند، بدون اینکه نسبت به میهمان عکس العملی نشان داده باشد در این حالت ما چکار می کنیم؟

عموماً از بچه می پرسیم احمد یا احمد آقا عزیزم به میهمان سلام کردی؟

یا وقتی ما میهمانی می رویم و کودک، کار زشتی انجام می دهد از انگشت در بینی کردن گرفته تا با صدای بلند باد از معده خارج کردن یا چیزی روی زمین ریختن، چقدر والدین ناراحت می شوند. چگونه کودک خود را تنبیه و چگونه از صاحب خانه عذرخواهی می کنیم. این گونه است که خانواده به علت نیاز به احترام و تایید خود از هنجارها پیروی می کند و کودک خود را به پیروی و تطبیق با ارزشها وادار می کند. که این عوامل در تربیت کودک به عنوان یک شهروند موثر در آینده مفید و موثر هستند. نکته مهمی که خانواده ها باید در تربیت کودکان خود مدنظر قرار بدهند و از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد تقلید رفتاری است. منظور از تقلید رفتاری بخش هایی هستند که یک انسان تصور آن را هم نمی تواند داشته باشد مثل نحوه صحبت کردن کودک در کشور ایران به زبان آلمانی، طرز پرخشگری و انواع فحشهایی که پدر و مادر می دهند، عبادت و کارهای خلاف، ورزش و تریاک، بچه ها تقریباً همه گونه رفتار اولیاء را الگو قرار داده و از آن تقلید می کنند و مایل هستند برای آنکه به این تقلید واقعیت بیشتری ببخشند، از سمبل های شخصی وابسته به آن نیز استفاده می کنند. مثل عروسک بازی و از این طریق به نیازهای اجتماعی خود پاسخ می دهد. به این ترتیب کودک یاد می گیرد که چگونه، یعنی از چه طریق و با چه ابزار و وسایلی، چه نوع نیازی را تا چه حدی ارضاء کند. این مساله می تواند مورد توجه خانواده ها قرار بگیرد که با ایجاد سمبل های مناسب، کودکان را به عنوان شهروندانی آشنا با حقوق و وظایف خود، تربیت کنند. در واقع، همانقدر که خانواده ها برای رعایت سنت های خانوادگی و احترام به بزرگ ترها، حساسیت نشان می دهند، اگر بر این وظیفه آگاه شوند که می توانند و در واقع وظیفه دارند، کودکان را به عنوان شهروندانی مطلوب برای آینده کشور، پرورش دهند، می توانند به تناسب امکانات و توانمندی های خانوادگی و فامیلی خود، نسبت به آشنا کردن نسل بعدی با حقوق شهروندی، اقدام کنند. مسلماً تحقق این مساله، در وهله اول، نیاز به این دارد که خانواده ها، خود با حقوق و وظایف شهروندی آشنا شوند.<sup>۱۷</sup>

## مدرسه

دومین مرحله اجتماعی شدن زمانی آغاز می شود که کودک به مدرسه می رود در این مرحله فرض بر این است که نه فقط فرهنگ سنتی و هویت ملی هر جامعه ای به نوجوان منتقل می شود، بلکه تجربیات اندوخته شده توسط دانشمندان در چگونگی بهتر زیستن همراه با پایاترین نتایج تحقیقات در زمینه های مختلف علوم که مورد نیاز یک فرد قرار می گیرد نیز در عمل به او آموخته می شود. البته انتقال روش های بهتر زیستن، تصویری ایده آل است که فقط در برخی کشورها به طرز موفقیت آمیزی انجام می گیرد.

<sup>۱۶</sup> فرمبینی، ۱۳۸۹: ۳۱-۳۰

<sup>۱۷</sup> لطف آبادی، ۱۳۸۰: ۱۲۲-۱۲۱

در مدرسه وظایف اجتماعی شدن فقط از ابعادی انجام می شود اما از ابعاد دیگر تاثیرات مطلوبی ندارد در شهرها به علت کمبود بودجه تعداد زیادی از بچه ها در یک کلاس فشرده می شوند معلم چندان فرصت رسیدگی به آنها را ندارد و چون میزان آزادی عمل بچه ها محدود است و این باعث می شود که کلاس آشفته به وجود بیاید معلم مجبور است با ابزار استبدادی آنها را ساکت کند.

نقطه بسیار خطرناک در اینجا آن است که مخصوصاً در مدارس غیرانتفاعی به دلیل اینکه فرزندان در این سیستم آموزشی بالاترین نمره را می گیرند به معنی آن است که خود را در بالاترین حد با آن تطبیق دادند. از آن جا که این سیستم مشکل دارد و میزان انعطاف پذیری این افراد و تطبیق آنها با سیستم های آموزشی دیگر دچار مشکل می گردد.

در ارتباط با آموزش هایی که دانش آموزان در مدرسه با آن ها آشنا می شوند، ۲ نقطه قابل توجه می باشد:

۱- قسمت بیشتری از این اهداف خصوصاً اهداف فرهنگی از طریق غیررسمی توسط خود دانش آموزان به یکدیگر منتقل می شود.  
 ۲- از این طریق ارزشها و هنجارهای مثبت به آنها آموخته نمی شود. به عنوان مثال اگر دروسی که در مدارس تدریس و به دانش آموزان آموخته می شود متناسب با فرهنگ و ارزشهای یک جامعه نباشد نه تنها در تربیت یک کودک تاثیری ندارد بلکه در بیشتر موارد باعث اثرات منفی در تربیت شهروندی ایجاد می کند. به عنوان مثال جامعه ای که در آن کودکان بر پایه ارزشهای دینی رشد می کنند، تدریس دروس که به کودکان آموخته می شود باید متناسب با ارزشهای همان جامعه باشد.<sup>۱۸</sup>

مدرسه مهم ترین جایگاه انتقال دانش شهروندی و به تبع آن آگاه کردن دانش آموزان اکنون و شهروندان فردای جوامع با حقوق شهروندی است. در واقع، کشوری که بخواهد مردم خود را با حقوق و وظایف شهروندی آشنا کند و جامعه ای مطلوب و به دور از مشکلات روزمره که از عدم آشنایی شهروندان با حقوق خود نشات می گیرد، بسازد، می بایست آموزش حقوق شهروندی را از دوران مدرسه و خصوصاً دوران ابتدایی، شروع کنند.<sup>۱۹</sup>

روش استاندارد پیشنهادی برای آموزش حقوق شهروندی به دانش آموزان به صورت ذیل است:

۱. برگزاری کلاس آموزشی درباره معنی شهروندی و وظایف و حقوق آن
۲. معرفی شهروند نمونه و درخواست از دانش آموزان برای تعریف کردن مواردی از خاطرات خود در این باره. به طور مثال:
  - ۱-۲- من با یک دانش آموز خارجی و یا غیر بومی، رفتار خوبی داشتم
  - ۲-۲- من برای پاکسازی پارک محله خودمان کمک کردم.<sup>۲۰</sup>
  - ۳-۲- من به همراه والدینم، در فرایند انتخابات شرکت و امور دموکراتیک را تمرین کردم.
  - ۴-۲- من برای کودکان نیازمند، اسباب بازی ها و لباس های اضافه ام را جمع آوری و اختصاص دادم
  - ۵-۲- من از دعوای خیابانی دور می شوم و سعی می کنم درگیر این دعوای نشوم.
  - ۶-۲- من به دوستم که می خواست در انجام دزدی، به او کمک کنم، اعتنا نکردم.

<sup>۱۸</sup> Bryk , ۱۹۹۹: ۳۴-۳۵

<sup>۱۹</sup> افروز، ب، ۱۳۷۸: ۶۷

<sup>۲۰</sup> عیوضی، ۱۳۸۷: ۳۱-۳۲



۲-۷- من کلاه ایمنی خودم را موقع دوچرخه سواری استفاده می کنم و به دوستان خودم نیز توصیه می کنم که حتما از آن استفاده کنند.

۲-۸- من برای رد شدن از خیابان، منتظر سبز شدن چراغ عابر پیاده می شوم و بعد رد می شوم.

۴. از دانش آموزان بخواهید که شرایطی را که در آن هیچ قانونی وجود نداشته باشد و هرج و مرج حاکم باشد را توصیف کنند.

۵. استفاده از دانش آموزان برای تدوین قوانین کلاسی و قوانین مدرسه تا جایی که به امور اصلی آموزش، آسیب نرسانند.

۶. از دانش آموزان بخواهید اشعاری با مضمون شهروندی و وظایفی که در مقابل جامعه و دیگر شهروندان دارند، یا نقاشی ها، نمایشنامه ها و داستان هایی با موضوع فوق الذکر، بنویسند و در کلاس ارائه دهند.

۷. از دانش آموزان بخواهید، افرادی از محله و آشنایان خود را که در مورد امور عام المنفعه شهری، نقش های مهمی برعهده داشته اند، را شناسایی کنند و با هماهنگی اولیا، نسبت به تقدیر و تشکر از برجسته ترین آن ها در مدرسه، اقدام نمایند تا دانش آموزان از این مسائل و ارزش آن ها، آگاه شوند.

۸. از دانش آموزان بخواهید که در مجلات و روزنامه ها، جستجو کنند و مقالات و نوشته هایی را که مربوط به حقوق و وظایف شهروندی است استخراج کرده و خلاصه مطالب آن ها را در کلاس برای دیگر دانش آموزان بخوانند.

۹. سعی کنید، دانش آموزان با کمک شما، نسبت به تهیه ویدئویی از اقدامات داخل کلاس و اقداماتی که خودشان به طور خودجوش در سطح محله و شهر انجام می دهند و مربوط به وظایف شهروندان است، اقدام نمایند.

۱۰. از افراد صاحب نام و فعالان اجتماعی علی الخصوص افرادی که در راس سازمان های مردم نهاد قرار گرفته اند، برای سخنرانی و استفاده از تجربیات و داستان های آن ها، دعوت به عمل آورید.

۱۱. با کمک والدین کودکان، از آن ها بخواهید که نسبت به عکاسی از سطح شهر و محله با موضوعاتی از قبیل انتخابات، وظایف شهروندی، حقوق شهروندان، مشکلات و معضلات سازمان ها در رعایت حقوق شهروندی و ... در حد توان خودشان، اقدام کنند.

۱۲. سعی کنید نسبت به شناساندن تاریخ کشور علی الخصوص بخش هایی که مربوط به کسب حقوق ملت و برقراری نظام مردمسالار است، اهتمام جدی داشته باشید.

۱۳. از دانش آموزان بخواهید بخش هایی از تاریخ معاصر را به صورت سمینار کلاسی ارائه دهند.

۱۴. به دانش آموزان نسبت به اهمیت پرداخت به موقع مالیات ها و عوارض، برای هزینه کردن در ایجاد نظم، احداث راه ها، پیشگیری از بی نظمی های جامعه، آتش نشانی و ... توضیحات کافی ارائه دهید تا نگرشی مثبت و کامل در این مورد داشته باشند.

۱۵. بین کلاس های مختلف مدرسه، در مورد امور آموزشی مرتبط ارائه شده، مسابقه هایی تدارک ببینید و با ایجاد شوق بین آنها، امور آموزش داده شده را نهادینه کنید<sup>۲۱</sup>.

## موسسات دولتی:

سومین مرحله اجتماعی شدن از زمانی آغاز می شود که کودک مدرسه را تمام می کند و برای حرفه آموزی و کسب درآمد، وارد اجتماع می شود. این مرحله از اهمیت ویژه ای برخوردار است، چرا که فرد را در نوعی تعارض قرار می دهد. تعارض به این معنی

<sup>۲۱</sup> برگرفته از جزوه آموزش حقوق شهروندی سازمان ملل متحد.

که مطالبی که کودک با آنها در دوران خانواده و مدرسه اجتماعی شده است با مطالبی که در اجتماع می آموزد همسویی ندارد برای مثال در ۲ مرحله اول به کودک اصولی چون راستی، درستی، عدالت و... آموخته می شود اما وقتی کودک وارد مرحله سوم اجتماعی شدن می شود و می بیند که چنین ارزشهایی در جامعه با وجود ندارد و یا کم رنگ است در کودک نوعی تضاد ایجاد می کند که برای رفع این تعارض ها مرحله سوم اجتماعی شدن نیز در کودک باید به روشی صحیح و اصولی بگیرد و یکی از مهمترین مراحل اجتماعی شدن دوره سربازی است به این معنی که هر جوانی به سن ۱۹ سالگی می رسد چه کسانی که دارای تحصیلات می باشند و چه کسانی که هیچ نوع سوادى ندارد موظف هستند به دوره سربازی بروند به این ترتیب دوره سربازی با ۲ هدف مهم در اجتماعی شدن تاثیر دارد:

۱) بعد اجتماعی پیوند زدن جوانان به پیکره جامعه با هدف حفظ و صیانت از مرزهای کشوری واحد و در شرایط لزوم گذشتن از جان خود به خاطر منافع یک ملت

۲) از بعد فردی ساختن مردانی مجرب و کار آزموده در راستای شکل گیری شخصیت اجتماعی به این معنی که در طول و همچنین بعد از دوره سربازی با نظر به اینکه شرایط اجتماعی شدن درست و اصولی صورت گیرد، میزان انحرافات کاهش یافته و در پی آموزشهای حین خدمت و تواناییهای که کسب نموده بودند میزان موفقیت شغلی، وضعیت اقتصادی، ثبات شغلی آنها به طور معنی دار بهبود می یابد.<sup>۲۲</sup>

می توان گفت، آموزش تکمیلی حقوق شهروندی در سازمان های مختلف دولتی شکل می گیرد. مثال خدمت سربازی از اموری است که فرد را می تواند به طور جدی با اهمیت رعایت حقوق شهروندی از یک سو و فدای جان برای پاسداری از حقوق شهروندی که خود از ارزش های جامعه محسوب می شود، مواجه کند. از طرفی، سازمان های دولتی، به عنوان ارگان هایی که بیشترین تعداد شهروندان روزانه به آن ها مراجعه می کنند، از بخش هایی است که رعایت حقوق شهروندی از طرف کارکنان آن ها و مراجعین، اهمیتی مضاعف دارد. به این ترتیب، این سازمان ها باید به تناسب نیازهای روز و استفاده از جدیدترین دستاوردها و تحقیقات، نسبت به بازآموزی و یاددهی حقوق شهروندان به کارکنان خود اقدام کنند و سعی کنند که مراجعان و شهروندان را نیز با این حقوق آشنا سازند.<sup>۲۳</sup>

### آموزش حقوق شهروندی در ادارات و سازمان های دولتی:

همانگونه که پیش تر اشاره شده، آموزش حقوق شهروندی مرتبط با سازمان ها و ادارات دولتی و غیر دولتی، خود شامل دو بخش، آشنا ساختن کارمندان و کارکنان این بخش ها با وظایف خود و حقوق ارباب رجوع و آشنا ساختن ارباب رجوع به وظایف شهروندی و برخورد مناسب با کارمندان است. مهم ترین اصل در این آموزش، آموختن قوانین و مقررات عمومی و همچنین مقررات درون سازمانی از یک سو و آشنا ساختن مردم با حقوقشان در ادارات و همچنین آموزش نحوه گرفتن اطلاع صحیح در مورد تغییرات احتمالی قوانین، مقررات و رویه های جاری است.

با توجه به اینکه آموزش ارباب رجوع به صورت روزانه، تقریباً غیر ممکن است، ابزار مورد استفاده در این بخش، بیشتر به صورت بروشور، کتابچه و همچنین استفاده از فضای مجازی است تا با کمترین هزینه ای، شهروندان را نسبت به حقوق خودشان آگاه کرد. اما باز موضوع اصلی، همان آموختن حقوق شهروندی از سنین پایین و آموختن مطالبه این حقوق از دوران ابتدایی است. اما مسئله مهم تر، آموزش کارکنان است برای رعایت حقوق شهروندان. این آموزش نیز، صرفاً نمی تواند با برگزاری کلاس ها و دوره های

<sup>۲۲</sup> Hebert, ۲۰۰۵: ۵۹-۶۰

<sup>۲۳</sup> Blunkett, ۲۰۰۳: ۳۳

آموزشی به موفقیت چندانی برسد. در حال حاضر، برای آموزش حقوق شهروندی در ادارات و سازمان های دولتی، و نهادینه کردن رعایت حقوق شهروندی در این ادارات و سازمان ها راهکارهای ذیل توسط سازمان ملل متحد، توصیه می شود:

- ۱- اصلاح فرایندهای سازمانی با در نظر گرفتن اهداف در نظر گرفته شده در حقوق شهروندی
  - ۲- در مواردی که می توان فرایندها را به صورت الکترونیکی کردن و با استفاده از سیستم های اتوماسیون اداری تعریف کرد و به انجام رساند، بهتر است از این روش ها استفاده شود تا هم هزینه های کمتری از طرف شهروندان برای طی فرایندها، پرداخت شود و هم جایگاه و شان شهروندان بیشتر حفظ شود.
  - ۳- آپلود تمامی قوانین و مقررات درون سازمانی و فرایندهای مورد نیاز برای انجام امور در پرتال اینترنتی آن سازمان یا اداره تا همگان بتوانند با وظایف و حقوق خود آشنا شوند<sup>۲۴</sup>.
  - ۴- مشخص کردن حداکثر زمان انجام هر یک از فرایندها، تا شهروندان بتوانند نسبت به انجام امور خود، آگاهی کافی داشته باشند و در مواقع قصور متصدی مربوطه، از فرد خاطی، بازخواست شود.
  - ۵- ایجاد سیستم های نظارتی دقیق و پیش بینی ساز و کارهایی که بتوان با آن ها، نسبت به رعایت دقیق و کامل حقوق شهروندان، اطمینان حاصل کرد.
  - ۶- بازبینی قوانین و مقررات به صورت دوره ای و ارائه پیشنهادهایی برای تغییر قوانین و مقرراتی که در راه ارائه خدمات بهتر، مشکلاتی ایجاد می کنند و پیگیری آن ها از مراجع مرتبط.
- باید توجه داشت که آموزش حقوق شهروندی به کارکنان هر اداره، باید بعد از انجام مطالعه ای کلی نسبت به قوانین و مقررات جاری آن سازمان و تطبیق آن با قانون اساسی و سایر قوانین مرتبط مقدور می شود<sup>۲۵</sup>.

### جمع بندی و نتیجه گیری:

با توجه به منشور حقوق شهروندی و سایر قوانین مصرح و همچنین با عطف توجه به ضرورت وجود شهروندانی آگاه از قوانین با موضوعیت حقوق شهروندی، آموزش این حقوق، جزو مسائل غیر قابل اغماض، محسوب می شود. برای آموزش این حقوق، سه زمینه مختلف وجود دارد. ۱- آموزش دانش آموزان از دوران ابتدایی تا اتمام تحصیلات در دوره دبیرستان و آگاه سازی آن ها از حقوق و وظایف شهروندی. ۲- آموزش حقوق شهروندی افراد در سازمان های مختلف دولتی و غیر دولتی که خود شامل دو بخش است: آموزش کارکنان این سازمان ها مبنی بر رعایت این حقوق از یک سو و آموزش ارباب رجوع با هدف آشنا ساختن آن ها به حقوق و وظایف ارباب رجوع در ادارات. ۳- آموزش حقوق و وظایف شهروندان در جامعه و نسبت به هموعان.

در حال حاضر، باور عمومی بر این است که شناساندن قوانین و مقررات اجتماعی اساسی، حقوق و وظایف شهروندان، به دانش آموزان در دوره کودکی و نوجوانی، اصلی ترین عامل پیشرفت جامعه و رسیدن به جامعه ای با شهروندانی مطلوب به شمار می رود و یاد دادن این وظایف و حقوق در سنین بالاتر، مشکل تر و بازدهی آموزش آن ها، به مراتب کمتر است. با این همه، باید آموزش قوانین و حقوق شهروندی و آشنا ساختن شهروندان با این امور، به عنوان یکی از مهم ترین اهداف سازمان قرار بگیرد.

یکی از بهترین شیوه ها برای رسیدن به هدف گسترش حقوق شهروندی، ساختن و پرداختن داستان های مختلف از تاریخچه و سرگذشت حکومت و حاکمیت با برجسته سازی جنبه هایی که با رعایت حقوق شهروندان و آموزش شهروندان ارتباط تنگاتنگ

<sup>۲۴</sup> محمودیان، ۱۳۸۰: ۵۶-۵۵

<sup>۲۵</sup> فغان نژاد، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۶

دارد، می باشد. در واقع می توان از همان دوران ابتدایی، داستان ها، دست نوشته ها و اشعاری که بتوانند چهره یک شهروند مطلوب را به تصویر بکشند و همچنین دارای محتوای آموزشی برای حقوق شهروندی باشند را وارد کتب درسی کرد و از همان ابتدا آموزش این مسائل را در اولویت قرار داد. برجسته سازی روزهای ملی که در آن قدم هایی به سوی مردمسالاری و رسیدن به حقوق مردم برداشته شده، (از قبیل روز جمهوری اسلامی، روز ۲۲ بهمن، روز تشکیل مجلس شورای اسلامی و ...)، در تقویم و تدارک برنامه هایی برای آن روز ها از صدا و سیما و مدارس نیز از دیگر اموری است که می تواند برای رسیدن به این موضوع، کمک کننده باشد. همچنین باید به برخی وظایفی که دستگاه های دولتی که با آموزش سر و کار دارند برای گسترش حقوق شهروندی بر عهده دارند، نیز اشاره نمود:

- ۱- ترویج و تبلیغ الگوهای مناسب برای رعایت حقوق شهروندی .
- ۲- هماهنگی و همکاری با رسانه های جمعی جهت ایجاد حساسیت لازم در خانواده ها نسبت به اهمیت فرهنگ حقوق شهروندی و رعایت حریم امنیت عمومی.
- ۳- حمایت از تهیه فیلم های مستند در مورد تاریخچه حقوق شهروندی در ایران .
- ۵- حمایت از انتشار نشریات تخصصی و سعی در توسعه و بسط این نشریات از طریق اینترنت در راستای اهداف ستاد .
- ۶- ارتباط مستمر و تبلیغی با دستگاههای مختلف در جهت گسترش و تعمیم اهداف حقوق شهروندی در جامعه.

## منابع و مأخذ:

- افروز، غلامعلی، الف (۱۳۷۸). «روان شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان»، انتشارات سازمان اولیا و مربیان، چاپ هشتم.
- افروز، غلامعلی، ب (۱۳۷۸). «روان شناسی خانواده، همسران برتر»، انتشارات اولیاء و مربیان چاپ دوم
- فرمهینی فراهانی، محسن (۱۳۸۹). «تربیت شهروندی». تهران. آبیژ
- فغان نژاد، سعدالله؛ نوری، مهدی، (۱۳۹۱)، «بررسی حقوق شهروندی در وضعیت بحران مطالعه ی تطبیقی حقوق ایران، فرانسه و آمریکا، تهران»، مجله مدیریت بحران، بهار و تابستان، شماره ۱.
- فنایی، ابوالقاسم، (۱۳۹۲)، «دین در ترازوی اخلاق»، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی صراط، چاپ اول.
- عیوضی، مریم، «مبانی ارزش شناسی تربیت شهروندی»، پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر محسن فرمهینی (۱۳۸۷).
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، «فلسفه حقوق»، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۵). «آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزش دانش آموزان»، فصلنامه نوآوری آموزشی، سال پنجم شماره ۱۷
- محمودیان، محمد رفیع، (۱۳۸۰)، «اخلاق و عدالت»، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول
- نقیب زاده، میرعبدالحسین (۱۳۷۶). «نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش»: تهران انتشارات طهوری
- نوربها، رضا، (۱۳۹۱)، «زمینه حقوق جزای عمومی»، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ هفدهم.
- هزار جریبی، جعفر؛ امانیان، ابوالفضل؛ (۱۳۹۰)، «آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن»، تهران، مجله مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، شماره ۹.
- Beyer London E, and Michael W. Apple (۲۰۰۰) Curriculum: Problems, Politics and Possibilities, Albany: State University of New York Press. In Edrev . Asu, ed/ review/ rev۴۹. htm./-۱۷k.
- Blunkett, David (۲۰۰۳). Civil Renewal: A New Agenda. The CSV Edith Kohn Memorial Lecture, ۱۱ th June.
- Bryk, Anthony S. and Ken Frank. (۱۹۹۱). Schools, Classrooms and Pupils. International Studies of Schooling from an Multilevel Perspective, Edited by Stephen W. Raudenbush Printed in the United States of America.
- Hebert Yvonne and Alan Sears (۲۰۰۵). Citizenship Education, Canadian Education Association.
- Horn, Raymond A. (۲۰۰۲). Caracter Education. Citizenship Education, and the Social proquest, Education Journals. Vol. ۹۳, No.۳.
- Horn, Raymond A. (۲۰۰۳). Developing a Critical Awareness of the Hidden Curriculum Through Media Literacy, Proquest Educational Journals. Vol.۷۹.No.۶.
- Minkler, John (۱۹۹۸). Active Citizenship. Empowering America's Youth. In www.frenso.deu/sps/minkler/index.html.
- Parker, S (۱۹۸۹) Teacher mediation in Social studies. Journal of Theory and Research in Social Education. ۵۲ (۳)

